

تعیین سطوح توسعه‌یافتگی اقتصادی، اجتماعی استان‌های کشور با استفاده از تکنیک فازی

روح الله تولایی^۱، محمد اعظمی^{۲*}

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه ریزی شهری، دانشگاه کردستان،

tavallaei.1986@gmail.com

۲- مهندس شهرساز، دانشگاه کردستان، azami.mohamad@yahoo.com

چکیده

به منظور موفقیت در برنامه‌ریزی و دستیابی به توسعه همه‌جانبه، اولین گام بررسی و شناخت واقعی از سطح برخورداری و توزیع شاخص‌های شاخص‌های خدماتی، فرهنگی، اقتصادی و ... می‌باشد. بررسی نابرابری‌های منطقه‌ای و نقاط ضعف و قوت توزیع امکانات در سطح استان‌های کشور راهکار اساسی در روند دستیابی به توسعه مطلوب و تعادل فضایی به شمار می‌رود. در این پژوهش کاربردی سعی شده است تا بررسی شاخص‌های ۲۶ گانه در ۴ بخش اقتصاد، بهداشت و درمان، آموزش و فرهنگ؛ سطح مختلف توسعه‌یافتگی استان‌های کشور را مشخص نماییم. بر اساس نتایج حاصل از این پژوهش استان‌ها را می‌توان در پنج سطح توسعه یافته شامل استان‌های تهران، اصفهان، یزد، مرکزی و سمنان و توسعه رو به رشد شامل زنجان و خراسان جنوبی و سطح توسعه متوسط شامل استان‌های خراسان رضوی، فارس، بوشهر، قم، چهارمحال و بختیاری، خوزستان، ایلام، همدان، قزوین، آذربایجان شرقی، اردبیل، گیلان، مازندران و کمتر توسعه یافته شامل خراسان شمالی، گلستان، کرمان، هرمزگان، کهگیلویه و بویراحمد، لرستان، کرمانشاه، کردستان، آذربایجان غربی و توسعه نیافته شامل سیستان و بلوچستان رتبه‌بندی نمود. با در نظر گرفتن نتایج حاصل از این پژوهش می‌توان اینگونه اشاره کرد که نظام برنامه‌ریزی در ایران مبتنی در توسعه در مرکز بوده و کمتر به مناطق مرزی به خصوص در غرب کشور توجه شده است، که این امر توجه بیشتر به مناطق مرزی به منظور دستیابی به توسعه متعادل‌تر را به امری لازم و ضروری بدل می‌کند.

واژه‌های کلیدی: سطوح توسعه یافتگی، منطق فازی، توسعه اقتصادی، اجتماعی، استان‌ها

۱- مقدمه

برنامه‌ریزی ابزاری است برای تبدیل وضع موجود به وضع مطلوب با هدف توسعه و عمران. بدیهی است برای رسیدن به وضع مطلوب در درجه اول باید شناخت دقیق و همه‌جانبه‌ای از وضع موجود داشت. در واقع توسعه فرآیندی پیچیده و چندبعدی و مستلزم اعمال تغییرات در ساخت اجتماعی، طرز تلقی مردم و نهادهای ملی و نیز تسریع رشد اقتصادی، کاهش نابرابری و ریشه کن کردن فقر است [22]. برای تعدیل در پراکنش شاخص‌های توسعه، برنامه‌ریزی جامع توسعه‌پذیری مناطق با هدف ارائه الگوی مناسب برای توزیع متعادل خدمات، جمعیت و سکونتگاه‌ها (تعادل فضایی) ضرورت می‌یابد. در فرآیند برنامه‌ریزی توسعه، شناخت و تبیین سطوح توسعه‌یافتگی نواحی و آگاهی از نقاط قوت و ضعف آن‌ها اهمیت بسیاری دارد، چرا که دستیابی به الگوواره‌ی توسعه پایدار نیازمند